

گزارش هیئت اجرایی به چهارمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی

اجازه دهید تا چهارمین پلنوم کمیته مرکزی را با گرامیداشت خاطره پاک شهدای توده ای و همه شهیدان راه آزادی آغاز کنیم.

هیئت اجرایی با توجه به مسائل عمده ای که پیش روی حزب و جنبش کارگری و کمونیستی کشورمان قرار دارد، طرح استناد زیر را برای بحث و ارزیابی کمیته مرکزی تنظیم و در اختیار رفاقت اقرار داده است:

۱- بررسی کوتاه اوضاع جهان و ایران در فاصله دو پلنوم:

۲- گزارش اجرایی هیئت اجرایی و شعب کمیته مرکزی:

۳- سند تحلیلی - حزب توده ایران و "نظم نوین جهانی":

ادامه در صفحات ۳، ۴، ۵، ۶



شماره ۴۴۵ ، دوره هشتم
سال یازدهم ، ۲۷ دی ۱۳۷۳

اعتراض های وسیع گارگری - دانشجویی

کارگران و کارمندان خود عاجزند. پاسخ سران رژیم در مقابله با این اعتراض ها، عقب نشینی های مقطعي و در عین حال تشديد فعالیت ارگان های سرکوبکر بوده است. در همین عرصه، علی رضا اشاره که یکی از مقام های مهم امنیتی رژیم است اخيراً خواستار استقرار "کردن های عاشورا" (که چندی پیش برای مقابله با شورش ایجاد شده بود) در همه "شهرها، کارخانه ها، حسینیه ها، مساجد و سایر مراکز حساس" کشور شد. در هفته های اخیر بار دیگر گزارش های کوناکوئی از برخوردها و اعتراض های کارگری - دانشجویی در شهرهای مختلف کشور در رسانه های کروهی جهان انکاس یافت. بر اساس این گزارش ها، در پی اختصاص بزرگ کارگران کارخانه های پارچه باقی "سیمین" در اصفهان که نزدیک به ۱۶۰۰ کارگر دارد، کارگران برخی از کارخانه های اراک و ساری نیز در اعتراض به گرانی، تورم و قطع شدن بن های کارگری دست به اعتراض های وسیع زدند. بر اساس همین گزارش ها دامنه اعتراض ها آنچنان وسیع بوده است که وزارت کار با هیئت اعزامی کارگران از اراک دیدار کرد. در مجتمع پارچه باقی "سیمین" اصفهان، علی رغم تلاش های ماموران وزارت اطلاعات برای درهم شکستن مقاومت کارگران اعتصابی، پیش از هشتماد درصد از کارگران در این اختصاص بزرگ کارگری شرکت کردند و متوجه بر خواست های صنفی خود پا فشاری کردند. در هفته های اخیر همچنین گزارش هایی پیرامون کسری اعتراض هایی در میان کارگران شرکت نفت، به عمل عدم پرداخت بین های کارگری در رسانه های کروهی انتشار یافت. کسری اعتراض های کارگری در ماه های اخیر مصادف با رشد سراسر آور هزینه ها، افزایش تورم و نزول چشمکیر درآمد واقعی اکثریت مردم کشور ما در پی سقوط نرخ برابری ریال در مقابل ارزهای خارجی است. همچنین پسیاری از کارخانه های کشور در پی سیاست های مغرب اقتصادی رژیم در آستانه ورشکستگی مالی قرار گرفته اند و پسیاری از واحدهای تولیدی ماهها است از پرداخت حقوق افزایش می دهد.

در هفته های اخیر بار دیگر گزارش های کوناکوئی از برخوردها و اعتراض های کارگری - دانشجویی در شهرهای مختلف کشور در رسانه های کروهی جهان انکاس یافت. بر اساس این گزارش ها، در پی اختصاص بزرگ کارگران کارخانه های پارچه باقی "سیمین" در اصفهان که نزدیک به ۱۶۰۰ کارگر دارد، کارگران برخی از کارخانه های اراک و ساری نیز در اعتراض به گرانی، تورم و قطع شدن بن های کارگری دست به اعتراض های وسیع زدند. بر اساس همین گزارش ها دامنه اعتراض ها آنچنان وسیع بوده است که وزارت کار با هیئت اعزامی کارگران از اراک دیدار کرد. در مجتمع پارچه باقی "سیمین" اصفهان، علی رغم تلاش های ماموران وزارت اطلاعات برای درهم شکستن مقاومت کارگران اعتصابی، پیش از هشتماد درصد از کارگران در این اختصاص بزرگ کارگری شرکت کردند و متوجه بر خواست های صنفی خود پا فشاری کردند. در هفته های اخیر همچنین گزارش هایی پیرامون کسری اعتراض هایی در میان کارگران شرکت نفت، به عمل عدم پرداخت بین های کارگری در رسانه های کروهی انتشار یافت. کسری اعتراض های کارگری در ماه های اخیر مصادف با رشد سراسر آور هزینه ها، افزایش تورم و نزول چشمکیر درآمد واقعی اکثریت مردم کشور ما در پی سقوط نرخ برابری ریال در مقابل ارزهای خارجی است. همچنین پسیاری از کارخانه های کشور در پی سیاست های مغرب اقتصادی رژیم در آستانه ورشکستگی مالی قرار گرفته اند و پسیاری از واحدهای تولیدی ماهها است از پرداخت حقوق افزایش می دهد.

فساد بی سابقه مالی
ویژگی اساسی
دستگاه اداری
جمهوری اسلامی

در جریان تفریغ (حسابرسی) بودجه سال ۱۳۷۰، معلوم شد که از بیش از ۲۰۰ شرکت دولتی که میلیاردها دلار بودجه کشور به آنها اختصاص یافته است (رقم اختصاص داده شده در بودجه سال ۷۴ معادل ۲۲ میلیارد دلار است)، تا به امروز، یعنی پس از کذشت بیش از سه سال، تنها ۴۳ شرکت دولتی حساب خود را برای دولت مشخص کرده اند و وضع مالی بقیه این شرکت ها و چکونکی خرج و دخل آنها نه تنها برای مردم، بلکه حتی برای دولت جمهوری اسلامی نیز نامعلوم است. اخیراً محسن رفیقدوست از فرمادهان سابق سپاه پاسداران و مستول فعلی بنیاد مستضعفان در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که نزدیک به پنج سال است بنیاد مستضعفان حساب درآمدها و هزینه های خود را اعلام نکرده است.

وی در همین مصاحبه آشکار کرد که: "طی پنج سال کذشت بنیاد مستضعفان ۷۵ میلیارد تومان سود ویژه داشته و ۸۰ میلیارد تومان هم خرج کرده است که ۵۸ میلیارد تومان آن به جانبازان و ۲۲ میلیارد تومان به محرومین داده شده است." (!!!?)

ادامه در ص ۲

اطلاعه ۱۸۴ زندانی سیاسی سابق درباره مرگ تا بهنگام علی اکبر سعیدی سیرجانی	ص ۷
سالروز جنیش ۷ بهمن گرامی بادا	ص ۸
ماخواهان پایان تعطی جنگ برادر کشی در کردستان عراق هستیم	ص ۸
پیام تسلیت به حزب کمونیست آفریقا جنوی به مناسبت درگذشت رفیق جو اسلو	ص ۲

زنده باد آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

پیام تسلیت کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی
به مناسبت درگذشت کمونیست و مبارز نامدار راه آزادی - رفیق جو اسلو



خطرات بزرگ به جان خردمند در تاریخ
مبارزات آزادبیخش مردم آفریقا جاودانه است.
ما باریکر این ضایعه بزرگ را به شما و همه
مبارزان راه آزادی در کشور شما از صمیم قلب
تسليت می‌کوئیم. بادش، کامرانیاد ۱

علم، خاوری

دیگر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۷۳ ماه دی ۲۵

حزب کمونیست آفریقای جنوبی، نقش ارزشنه و
ویژه ای را در سازماندهی و سرانجام به پیروزی
رساندن مبارزه مردم اینها کرد و تا آخرین لحظات
عمرش و در حالیکه مدتها بود از بیماری شدید
سرطان رخ می برد، دمی از انجام وظایف نوین و
دشواری که به مثابه وزیر مسکن در دولت ائتلاف
ملی بر عهده او گذاشته شده بود، قصور نکرد. به
مثابه یک انترناسیونالیست متهد، رفیق اسلو
همواره نقش فعال و پر اهمیتی را در جنبش
جهانی کارکری و کمونیستی ایفاء کرد و از این
رو درگذشت او ضایعه ای است برای همه
کمونیست ها در سراسر جهان. بیش از چهاردهم
مبارزه علیه بی عدالتی، نژادپرستی و برای حقق
خواست های میلیون ها انسان محروم در کنار
مبارزه پی کیر و خدشه تاپذیر در راه حقق آرمان
های انسانی و دورانساز سوسیالیسم، خلاصه
زندگی نامه انسان بزرگی را تشکیل می دهد که
بیکر در میان ما نیست. نام جو اسلو و مبارزه
هرمانانه ای که او و دیگر یارانش علی رغم

به رفیق چارلز نکاکولا
دبیر کل کمیته مرکزی
حزب کمونیست آفریقا جنوبی

رفيق گرامی نگاکولا

کمیته مرکزی حزب توده ایران ضایعه
درگذشت رفیق جو اسلو، کمونیست،
انترناسیونالیست پرشور، مبارز نامدار راه
آزادی و صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست
آفریقای جنوبی را به شما، همه کمونیست‌ها،
و همه مردم کشورتان تسلیت می‌کوید.
رفیق جو اسلو از گروه نخستین کسانی بود
که در سخت ترین شرایط حکومت رژیم ضد
انسانی آپارتااید، کام در راه مبارزه علیه آن
گذاشت و عمر خود را در راه تحقق این امر
نهاد. رفیق جو اسلو به عنوان فرمانده و یکی
از بنیانگذاران ارتش آزادیبخش آفریقای
جنوبی، و بعدها در مقام دبیرکلی و مسئولیت

فساد مالی بی سابقه ...

مجلس را از بیرون کوش می دادند، ایجاد شبهه و ابهام کرده بود...". واقعیت این است که این چنین فساد مالی و ارتشهای وسیع و ریشه داری تنها با تایید هیئت حاکمه یک کشوری می تواند سرتاسر دستگاه اداری کشور را بپوشاند. از غارت میلیون ها دلار در خرید و فروش اسلحه که عمدتاً توسط نزدیکان سران رژیم انجام می کرده تا بستن قراردادهای غارنگرانه اقتصادی با شرکت ها و کشور های امپریالیستی، ویژگی اساسی دستگاه اداری جمهوری اسلامی را تشکیل می دهد. در کشوریکه سفیر آن در یک کشور خارجی (آلمان) رسماً از دریافت "حق حساب" و "کمیسیون" از شرکت های خارجی در مجلس با افتخار سخن بکوید و معاون وزیرش با میلیون ها دلار پول دزدی "نایپدید کرد"، بیش از این هم غنی توان انتظار داشت. در هفته های اخیر همچنین خبر دستگیری و زندانی شدن اصغر کاکاشان، معاون دکتر عادلی، رئیس سابق بانک مرکزی، به جرم اختلاس در روزنامه های مجاز کشور انتشار یافت و معلوم شد که تلاش هایی برای بازجویی و محکمه خود عادلی نیز به دلیل ارتباطات نزدیک او با رفسنجانی و سایر سران رژیم تا این لحظه بی نتیجه مانده است.

میلیون ها دلار از کشور خارج گردد. حکیمی پور در سخنان خود در مجلس افشا کرد که : «جالب است آقای محلوجی ضامن این شخص می شوند» ولی هنگامیکه مساله احضار نامبرده مطرح می گردد ایشان می کویند اکر از او خبر دارید، ما راه مطلع کنید....». به عبارت دیگر معاون وزارت خانه ای که از سوی مقام های قضائی کشور احضار گردیده است، اکنون مدتی است با اطلاع وزیر آن وزارت خانه از کشور گریخته است و مردم و سایر نهاد های جمهوری اسلامی از آن بی خبرند. حتی در جریان استیضاح وزیر معدن و فلزات نیز معلوم نگردید که بالآخره کلیاتی به چه دلیل از ایران با خانواده خود گریخته است.

علی رغم ممه خلاف کاری هایی که در جریان این استیضاح به وزیر معدن و فلزات نسبت داده شد، وی با اختلاف ناچیزی، و با تقلب آشکار رهبری مجلس جمهوری اسلامی، همچنان در پست خود ابقاء گردید و مورد تایید مجدد هاشمی رفسنجانی نیز قرار گرفت. روزنامه «سلام» در شماره ۵ دی ماه خود از قول خانم سربنده و شاندز اراک نوشت : «رای کیری از اساس مخدوش بود... در حالیکه تعداد غایبیندگان حاضر ۲۰۴ نفر علام شده بود، ولی تعداد آرایی که از کلدان بیرون آمد ۲۱۷ نفر بود (!!!)... این موضوع حتی بین غایبیندگان داخل مجلس و افرادی که مذاکرات

گزارش هیئت اجرایی به چهارمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

- بررسی کوتاه اوضاع جهان و ایران

الف: اوضاع جهان

رفقا!

در فاصله دو پلنوم تحولات نسبتاً مهمی در جهان رخ داده است که ما در اینجا به صورت خلاصه به بررسی و ارزیابی آنها می‌پردازم.
جهان در سالی که کذشت شاهد پیروزی بزرگ نیروهای متفرق و آزادیخواه بر ارجاع و واپسکرایی در قاره آفریقا بود. سرانجام پس از دهه آخوندی و تعمیل نظام ضد انسانی آپارتاید بر میلیون‌ها نفر ساکنان آفریقای جنوبی، مردم این کشور توانستند در محیطی نسبتاً آزاد به پای صندوق‌های رای بروند و حکم تاریخی پایان نزد پرستی را در قاره آفریقا به ثبت برسانند. پیروزی بزرگ "کنکره ملی آفریقا"، حزب کمونیست آفریقای جنوبی و "کنکره اتحادیه های آفریقای جنوبی" که توانستند در مجموع نزدیک به دو سوم آرا را از آن خود کنند، نشانکر امید و اعتماد دهه ها مبارزه قهرمانانه و پیکر علیه نظام آپارتاید در آفریقای جنوبی بود. انتخاب رفیق نلسون ماندلا، زندانی سیاسی ای که بیش از ۲۵ سال از عمر خود را در زندان‌های آپارتاید کنرانده بود، به مقام ریاست جمهوری این کشور، تنها کوشش ای از ابعاد تغییرات شکوفی را نشان می‌داد که در آفریقای جنوبی به وقوع پیوسته است. بدیهی است که این پیروزی بزرگ نیروهای خلقی، پیروزی ارزشمندی است برای همه کسانی که در راه آزادی، عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنند.

حزب ما در کنار تمامی نیروهای متفرق جهان ضمن شادمانی از این پیروزی و تبریک این واقعه بزرگ به حزب کمونیست آفریقای جنوبی، "کنکره ملی آفریقا" و تمامی نیروهای متفرق و آزادیخواه این کشور، به خوبی آگاه است که این تنها آغاز راهی است که اگر از مبارزه دهه های کذشته علیه آپارتاید دشوارتر نباشد، از آن آسان تر نخواهد بود.

نیروهای ارتجاعی، نیروهایی که سال‌ها حافظ رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی بوده اند، و نیروهای واپسکرای سیاهپوست، مصممند که جلوی تحولات متفرقی به نفع زحمتکشان و توده‌های میلیونی محروم در این کشور را با استفاده از هر حریبه و اهرمی سد کنند. امپریالیسم همواره به آفریقای جنوبی، به دلیل موقعیت رئیوپولیتکی آن و امکانات عظیم مادی و معنوی، به مشابه یکی از حساس‌ترین مناطق استراتژیک خود نگیریسته و مصمم است تا تامین منافع خود را از حاکمیت تازه روی کار آمده در این کشور طلب کند. میلیاردها دلار سرمایه کذاری انحصارهای سرمایه داری در معادن طلا، الماس، صنایع سنگین و صنایع بزرگ نظامی در این کشور، از جمله مشکلات بفرخ و پیچیده‌ای است که پیش روی حاکمیت جدید قرار گرفته است. بدیهی است که مبارزه در راه تحقق عدالت اجتماعی، ایجاد امکانات برای میلیون‌ها انسان محروم که در شرایط بسیار دشوار زندگی می‌کنند، از وظایف مهم و حیاتی است که اگر نیروهای متفرق نتوانند برنامه‌های دولت جدید را در این سو سوق دهند، بی‌شك در مجموع اثرات فاجعه باری برای آنان و زحمتکشان این کشور ببار خواهد آورد. تحولات ماه‌های کذشته نشان داده است، که پیروزی و یا شکست در این روند اثرات بسیار مهم و عمیقی در منطقه و حتی در کشورهای جهان سوم بر جای خواهد کذاشت. امپریالیسم با توجه به امکانات عظیم مالی و تغییرات جهانی ایجاد شده در سال‌های اخیر مصمم است تا جلوی پیروزی جنبش‌های رهایی بخش ملی را سد و به توده‌های محروم اثبات نماید، که راهی جز سرمایه داری عنان کسیخته و استثمارکر وجود ندارد و اکرچه رژیم ضد انسانی آپارتاید در هم فروریخته ولی ساختارهای اقتصادی و سمت و سوی حرکت اجتماعی کشور، همچون کذشته در خدمت تامین منافع سرمایه

راعیت عدالت و تامین منافع حقه هر دولت ممکن است و نه از راه تحمیل خواسته های یکی بر دیگری. چنین روندی در درون خود همواره هسته های بدبینی و بی اعتمادی را به همراه خواهد داشت و از این رو می تواند حالت متشنج نه جنگ و نه صلح و عدم اعتماد و امنیت در منطقه پرای سال ها حفظ شود.

رفقای عزیز!

از مسایل مهم دیگری که همچنان در مرکز توجه مردم جهان قرار دارد، روند تحریب دهشتناک جوامع سابق سوسیالیستی، بدست سرمایه داری جام کسیخته ای است که در این کشورها حاکم گردیده است. ما در سند "حزب توده ایران و نظم نوین جهانی" مفصلأ پیرامون این تحولات سخن کفته ایم و در اینجا تنها به ذکر چند نکته ایکتفا می کیم:

روند تحریب زیرساختار اقتصادی در اکثر این کشورها، خصوصاً اتحاد شوروی سابق باشد بیشتری در جریان است. معاون نخست وزیر روسیه در گزارشی که درست قبل از سفر یلتسین به آمریکا، در شهریور ماه سال چاری، ارائه داد، به روشنی اعتراف کرد که تولیدات صنعتی بازهم به میزان ۲۰٪ (در مقایسه با آمار فاجعه بار سال گذشته) تنزل یافته است. و این در شرایطی است که ویکتور چربنومردین در گزارش سال قبل خود به شورای وزیران این کشور (نوامبر ۱۹۹۳) اعتراف کرده بود که تولید داخلی به میزان ۱۶/۵٪ و تولید ناخالص ملی به میزان ۱۱٪ در طی یک سال پائین آمده است. سیاست اقتصادی دولت روسیه برای کنترل میزان تورم در مجموع با موفقیت بسیار کمی روبرو بوده است و تورم ماهیانه ۴٪ در این کشور دوباره روبه رشد و افزایش می‌باشد. با سقوط روز افرون ارزش روبل و تنزل نرخ برابری آن (هر دلار معادل ۲۷۰۰ روبل) در آمد واقعی مردم به نازل ترین سطح خود در سال‌های اخیر رسیده است. رشد و کنترل فقر در این کشور عظیم و سایر جمهوری‌های سابق شوروی، از یک سو و ایجاد کروه کوچکی از "سوپر میلیونرها" که میلیاردانها دلار ثروت این کشورها را در میان خود تقسیم کرده اند، بیش از هرچیز نشانگر ماهیت غیرعادلانه و ضد انسانی سرمایه داری حاکم بر این کشورها را نشان می‌دهد. بر اساس گزارش‌هایی که حتی از سوی رسانه‌های کروهی غربی مانند "بی-بی-سی" انتشار می‌یابد، اکثر موسسات مالی، بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ خصوصی در روسیه به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم در کنترل باندهای جنایتکار و مافیایی در این کشور قرار دارند، و روسیه اکنون به یکی از عمدۀ ترین مراکز غرکز باندهای مافیایی در دنیا تبدیل شده است. رشد بی‌سابقه توزیع و فروش مواد مخدر، تبدیل این کشورها به مراکز عدمه قاچاق این مواد و در واقع بزرگ راه ارسال مواد مخدر به کشورهای اروپایی و حتی آسیایی، رشد بی‌سابقه فحشا، خرید و فروش انسان و حتی کودکان خردسال، از عمق فاجعه انسانی که بدست سرمایه داری در این کشورها ایجاد گردیده است، حکایت می‌کند. چهره عربیان، کریه و در عین حال جنایتکارانه سرمایه جهانی در این کشورها امروز دیگر برای کمتر کسی جای کوچکترین شک و شبهه‌ای پیرامون ماهیت اصلی و ویژگی‌های اساسی این سیستم باقی نگذاشته است. یورش نظامی خونین دولت یلتسین به جمهوری خودمنخار چچن که به کشتار و مجروح شدن هزاران تن انسان غیر مسلح و بی‌کناء منجر گردیده است، در سکوت تایید آمیز دولت‌های غربی از سوی دیگر، این منطقه و حفظ دولت‌های واپسیه و بی‌اراده‌ای مانند دولت یلتسین بر

داران بزرگ حرکت خواهد کرد. از سوی دیگر نیروهای متفرقی به رهبری حزب کمونیست آفریقای جنوبی و اتحادیه های کارگری این کشور مصمم اند تا با حفظ دستاوردهای موجود، ساختار پوسیده و غیر عادلانه کذشته را دکرکون کرده و نظامی دموکراتیک و عادلانه را بر ویرانه های آن برپا سازند.

ما از صمیم قلب خواهان پیروزی نیروهای مترقبی، و خصوصاً حزب کمونیست آفریقای جنوبی به مثابه حزب پیشاپاهنگ زحمتکشان این کشور، در این مبارزه دشوار و بسیار بغرغ هستیم.

١٦

از موضوعات مهم دیگری که ما در ماه های گذشته شاهد آن بوده ام، امضاء قرارداد صلح در خاورمیانه و واکنای حقوق خودگردانی محدود در اریحاء و بخشی از نوار غزه به مردم فلسطینی این نواحی است. حزب ما به هنکام امضاء قرارداد صلح به درستی نگرانی های خود را از روند آغاز شده، که در هاله ای از ابهام، پنهان کاری و دور از چشم قضاوتشکر مردم فلسطین و در پشت درهای بسته سازماندهی می شد و کم و کاستی های دیگر این مذاکرات اعلام کرد. قرارداد صلح امضاء شده میان سازمان آزادیبخش فلسطین و دولت اسرائیل دارای اشکالات و ضعف های بسیار جدی است. به عنوان غونه این قرارداد کوچکترین اشاره ای به سرنوشت میلیون ها آواره فلسطینی که در اردوگاه های موقت در لبنان و سایر کشورهای عربی بسر می برند نمی کند. یکی از خواست های عمدۀ نیروهای آزادیبخش و مترقی در منطقه، بازگشت بدون قید و شرط این آوارگان به سرزمین هایشان بوده و هست. ادامه سیاست های توسعه طلبانه اسرائیل در سرزمین های اشغالی و بربایی شهرک های مهاجران اسرائیلی در این مناطق، نشانگر ادامه سیاست های گذشته اسرائیل و بی توجهی کامل این دولت به حقوق اهالی عرب این مناطق می باشد. متوقف شدن این سیاست توسعه طلبانه و غیر قانونی دولت اسرائیل همواره یکی از خواست های اساسی نیروهای مترقی بوده و باقی می ماند که تا به امروز بی جواب مانده است. خودمختاری بسیار محدود و مشروط که به بخشی از فلسطینی های مناطق اشغالی واکنار می شود قبول نوعی قیومیت از طرف سازمان آزادیبخش فلسطین است که حاصل عمدۀ آن ایجاد زمینه برای رفع سد تحریم سیاسی - اقتصادی اسرائیل از سوی کشورهای عربی است که زیر فشار افکار عمومی مردم این کشورها، به قطع رابطه با اسرائیل تن در داده بودند. این امر کاملاً یک جانبه به نفع اسرائیل و نتیجتاً بی تفاوتی کامل به منافع و خواست های فلسطینی هاست. صلحی پایدار و استوار در صورتی میان اعراب و اسرائیل برقرار خواهد شد که به طریقی عادلانه مشکلات حاصله از تجاوز و اشغال سرزمین های فلسطینی حل و فصل شود. در چنین صورتی می توان امیدوار بود زمینه خصوصت چند ده میان اعراب و اسرائیل برطرف کردد و صلح و ثبات و آرامش به این منطقه حسوسی باز کردد.

بدیهی است که نیروهای مترقبی و از جمله حزب ما از روند مذاکره برای رسیدن به یک راه حل صلح آمیز در منطقه برای پایان بخشیدن به سال‌ها جنگ و خونریزی دفاع کرده و همچنان می‌کنند. ما همواره بر این عقیده بوده ایم که دو ملت عرب و اسرائیل می‌توانند در کنار هم در چارچوب دولت‌های مستقل خود در آرامش و صلح زندگی کنند، ولی دستیابی به چنین صلحی پایدار و پایرگا تنها با

امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در کوشش و کنار جهان و در عین حال بروز اختلاف در میان کشورهای امپریالیستی نام برده. مبارزه برای تقسیم مجدد جهان به نواحی زیر نفوذ بلوک های مختلف امپریالیستی باشد بیشتر خصوصاً در عرصه های سیاسی و اقتصادی دنبال می کردد و در برخی موارد در حد برخوردهای آشکار در رسانه های کروهی جهان نیز انعکاس می یابد. مساله اختلاف پیرامون سیاست های ماجراجویانه امپریالیست ها در کشورهای حوضه بالکان، خصوصاً مسایل بوسنی و اختلاف میان کشورهای اروپایی عضو ناتو و آمریکا، در ماه های کذشته تها کوشش ای از این اختلاف ها را نشان می دهد. علی رغم این اختلاف ها، که هنوز ابعاد همه جانبه ای به خود نکرفته است، امروز ما در شکل بی سایقه ای شاهد حضور نظامی آمریکا و متحداش در کوشش و کنار جهان از خلیج فارس تا یوکسلاوی سابق، تا هائیتی می باشیم. هر ملتی در هر جای جهان که برای استقلال و آزادی خود مبارزه کند، در منکنه فشار های گوناگون اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی قرار می کیرد. مهمترین غونه این سیاست را امروز می توان در مورد کوبا مشاهده کرد. میلیون ها شهروند کوبایی، باید در دشوار ترین شرایط از حاظ زیستی قرار بکیرند، تنها به این خاطر که حاضر نیستند در مقابل فشارهای امپریالیستی تسليم شوند. محاصره اقتصادی کوبا، که طولانی ترین محاصره اقتصادی در طول تاریخ می باشد، تنها هدفش در هم کوییدن نظام مردمی این کشور و نابودی دستاوردهای سوسيالیسم در کوبا است. کشوری که در مدت زمان نسبتاً کوتاهی از جزیره عیش و عشرت آمریکاییان ثروتمند، به یک کشور متفرق از حاظ علمی، اجتماعی و صنعتی بدلت کردید. بی سودای در آن ریشه کن شد و از نظر رشد علمی در سطح کشورهای پیشرفته اروپایی قرار کرفت. امروز یکی از اهداف عمدۀ امپریالیسم نابودی این غونه نسبتاً موفق تحقق اندیشه های سوسيالیستی در قاره آمریکا است. تلاش های اخیر دولت آمریکا در تشدييد فشار از طریق تشویق مردم این کشور به مهاجرت جمعی و غیر قانونی به آمریکا (از همان نوعی که در آلمان شرقی سابق تجربه شده بود) تنها بخش کوچکی از برنامه عظیم سیاسی - اقتصادی و نظامی امپریالیسم برای نابودی انقلاب مردم کوبا است. رفیق فیدل کاسترو در مصاحبه با رسانه های کروهی غرب در این زمینه توضیحات جالی ارائه داد. وی در این مصاحبه از جمله کفت: برای روشن تر شدن حقایق پیرامون این برنامه کافی است به این نکته توجه شود، که دولت آمریکا از دادن ویرزا به هزاران کوبایی که خواهان مسافرت به آمریکا از طریق قانونی هستند و به سفارت این کشور در هاوانا رجوع می کنند، خودداری می کند، ولی فوراً به هر کسی که بتواند از طریق غیر قانونی خود را به آمریکا برساند، ویزای دائمی اعطاء می کند و این در شرایطی است که از جانب دولت کوبا کوچکترین مانعی برای سفر به آمریکا وجود ندارد.

امروز مبارزه در راه دفاع از کوبا، به یک مبارزه با ابعاد جهانی بدل شده است و نیروهای متفرق در سراسر جهان برای کمک و همبستگی با مردم کوبا به فعالیت های شباهنگ روزی مشغولند. حزب ما و توده ای ها در کوشش و کنار جهان به نوبه خود در این راه کوشیده و در آینده نیز خواهند کوشید. برخلاف تبلیغ رسانه های کروهی راست جهان مبارزه مردم کوبا، به هیچ وجه یک مبارزه تحمل شده از سوی حاکمیت سیاسی این کشور برای حفظ نظام کنونی نیست، بلکه مبارزه ای عمیقاً مردمی، اکاهاهه و متکی به حمایت اکثریت مردم این کشور در دفاع از دستاوردهایی است که در چهل سال کذشته تحقق یافته اند. مساله همبستگی با مردم کوبا، مسئله دفاع از کاسترو و یا حزب کمونیست کوبا نیست، بلکه دفاع از تصمیم و اراده خلقی است که در راه استقلال

هر جنایتی مهر تایید کنارند. یورش خونین یلتسين به پارلمان قانونی و منتخب مردم در سال کذشته، و ماجراجویی اخیر نظامی او در جمهوری خود مختار چچن بیش از هرچیز پرده از ماهیت ضدمدردمی کروه حاکم بر روسیه و حاکمیت یافتن یک دیکتاتوری خشن سرمایه داری در این کشور، بر می دارد.

نظیرات ساده لوحانه ای که در سال های اخیر از سوی برخی نیروها از جمله نیروهای سیاسی میهن ما پیرامون ایجاد "سرمایه داری دموکراتیک" (از نوع تجربه سوئد) در این کشورها ارائه می کردید، در مقابل واقعیت های سخت و تکان دهنده ای که امروز در مقابل همکان قرار گرفته است، رسوای تراز آن می باشد که نیازی به پاسخ دادن به آن داشته باشیم. دموکراسی واقعی و سرمایه داری اصولاً و ماهیتاً در تضاد با یکدیگر قرار دارند. سیستمی که اساس و اصول آن بر استثمار فرد از فرد نهاده شده است و هدفش در درجه اول تأمین منافع یک اقلیت بسیار کوچک (سرمایه داران) در جامعه می باشد، نمی تواند در عین حال بانی ایجاد و کسریش آزادی و عدالت باشد. حتی آزادی های بورژوازی، آزادی های فردی - سیاسی و صنفی که ما امروز در تمامی کشورهای اروپایی شاهد آن هستیم، هیچگاه به صورت ارادی از جانب سرمایه داری در این جوامع پیداه نکردیده است. عربیه حکومت دیکتاتوری دهشتناک فاشیسم که از دل راست ترین عناصر سرمایه داری در اروپا تولد یافت و به کشتار و نابودی ده ها میلیون نفر در سراسر جهان منجر کردید، رشد دوباره فاشیسم در کوشش و کنار اروپا و روی کار آمدن یک حکومت ائتلافی از احزاب متمایل به فاشیسم در ایتالیا، رشد و تهاجم ایدئولوژیک نیروهای دست راستی - محافظه کار در آمریکا برای نابودی بسیاری از دستاوردهای زحمتکشان این کشور، از جمله سیستم تامین اجتماعی، آموزش و راه اندازی مجدد سیستم "جنگ ستاره کان" که پس از پایان ریاست جمهوری ریکان به حالت تعليق درآمده بود، نشانکر آن است که سرمایه داری ذاتاً نظام ضد دموکراتیک و غیر عادلانه ای است که مسئولیت عدمه فجایع و جنایات ضد بشري در قرن اخیر را به عهده دارد. نباید فراموش کرد که حتی در پیشرفته ترین کشورهای اروپایی برخوردارند، مانند حق انتساب، حق تشکل، حق رای برای زنان، تساوی حقوق زن و مرد، تامین اجتماعی، آموزش همکانی، بهداشت و ... سال ها مبارزه کرده اند. یورش سرمایه داری به بسیاری از این دستاوردها در کشورهای مختلف مانند آلمان، فرانسه و بریتانیا، برای از بین بردن آنها، از جمله از بین بردن سیستم بهداشت همکانی، آموزش همکانی و غیره، خود بهترین کوه این نظر ماست که این دستاوردها نه تنها متعلق به سرمایه داری نیست، بلکه عمدتاً از اندیشه های سوسيالیستی و نیروهای معتقد به سوسيالیسم سرچشمه کرفته است.

تعییق فاصله عظیم میان کشورهای غنی اروپای غربی و اکثریت عظیم کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین و مرکزی، کسریش فقر و عقب ماندگی، که صدها میلیون انسان در این کشورها را تهدید می کند، از جمله نتیجه مستقیم سیاست های سرمایه داری جهانی است. ادامه فاجعه انسانی در آفریقا، سومالی و در سال کذشته در رواندا که به نابودی میلیون ها انسان اجتمید، تنها کوشه هایی از نابسامانی هایی است که به دلیل سیاست های مخرب سرمایه داری جهانی پدید آمده اند.

رقا!

از جمله تحولات مهم دیگر باید از تشدييد سیاست مداخله کرانه

آمریکا (نکاه کنید به مصاحبه اخیر سفیر آمریکا در کویت) نیز به همین منظور انجام می‌گیرد.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن سیاست‌های ضد مردمی، مخالف مصالح ملی و ماجراجویانه رژیم جمهوری اسلامی، هر کونه تلاش و حرکتی را که از سوی هر نیرو و کشوری علیه منافع ملی و قائمیت ارضی کشور باشد شدیداً محکوم و با آن در معارضه جدی خواهد بود.

در همین زمینه تحولات منفی و بسیار نکران کننده پیرامون مسائل خلق کرد از جمله موضوع‌های مهم دیگری است که توجه به آن حائز اهمیت است. برخوردهای خونین در گرددستان عراق که به کشتار صدها تن و مجرح شدن تعداد زیادی از مردم این نواحی منجر گردید، از یک سو مورد استفاده وسیع حکومت‌های ارجاعی منطقه مانند ایران و ترکیه قرار گرفت و از سوی دیگر تصویر بسیار منفی و نکران کننده‌ای را از نیروهای ملی کرای گرد در نزد جهانیان به نمایش کذاشت. کمونیست‌های عراق به روشی ضمن محکوم کردن این برخوردهای خونین میان نیروهای مسلح حزب دموکرات کرددستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و جبهه میهنی کرددستان به رهبری جلال طالباني، خواهان قطع فوری این برخوردهای خونین که به تحریک نیروهای ارجاعی، از جمله نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی دامن زده می‌شد، گردیدند و بر راه حل مسالمت‌آمیز اختلافات تاکید کردند. در هیاهوی این خوشنیزی داخلی دولت ترکیه با استفاده از موقعیت، بزرگترین کارزار نظامی سال‌های اخیر را به قصد نابودی نیروهای مسلح حزب کارگران کرددستان ترکیه سازماندهی کرد که در آن صدها تن کشته و زخمی گردیدند. جمهوری اسلامی نیز با استفاده از همین اوضاع، فعلیت‌های نظامی خود در منطقه کرددستان عراق را تشمید کرد و بارها دهکده‌های مرزی این کشور را مورد حملات سنگین توپخانه‌های خود قرارداد و این سیاست همچنان ادامه دارد.

حزب ما ضمن محکوم کردن این عملیات جنایتکارانه علیه مردم غیر نظامی این منطقه، بار دیگر اعتقاد خود را به حل مسائل از طریق مسالمت‌آمیز اعلام می‌کند. ما بار دیگر تاکید می‌کنیم که ریشه اساسی مشکلات کنونی را می‌بایست در پایمال شدن حقوق خلق کرد در منطقه توسط حکومت‌های دیکتاتوری حاکم جستجو کرد. اکثریت قابل ملاحظه خلق کرد، خواهان دستیابی به حقوق ملی خود در چارچوب قوامی ارضی کشور محل اقامتشان هستند. حزب ما در تمام طول تاریخ حیاتش همواره از این مبارزه حق طلبان دفاع کرده و امروز نیز به این سیاست اصولی و دموکراتیک خود علی رغم هیاهوی نیروهای راست و برچسب "تجزیه طلبی" به نیروهای مترقی و آزادیخواه ادامه می‌دهد.

در انتهای این بخش اجازه دهید اشاره ای به فاجعه مردم و کشور افغانستان بکنیم. روزی نیست که رسانه‌های کروهی جهان خبر از کشته و زخمی شدن صدها نفر از مردم غیر نظامی افغانستان در جریان برخوردهای نظامی میان کروه‌های مختلف "مجاهدین اسلامی" ددهند. ادامه جنگ داخلی در این کشور پس از سقوط دولت افغانستان که با خرج میلاردها دلار هزینه از سوی سازمان "سیا"، دولت ارجاعی عربستان سعودی، پاکستان و جمهوری اسلامی سازماندهی گردیده بود، از یک سو نشانکر ماهیت عمیقاً ضد مردمی، ضد ملی و جنایتکارانه کروه‌های مزدوری است که برای مقاصد شوم خود چنین فاجعه ای را در کشور همسایه ما پدید آورده است و از سوی دیگر نشانکر ادعاهای پوج سران کشورهای غربی و آمریکا پیرامون علاقمند بودن آنان نسبت به سرنوشت مردم افغانستان است.

سیاسی، ملی و اقتصادی خود، علی رغم توطئه‌های جنایتکارانه سرمایه داری جهانی مبارزه می‌کند.

امروز سیاستمداران آمریکایی علناً از رهبری آمریکا در جهان سخن می‌کویند و جهان را به پذیرش این رهبری تشویق می‌کنند. بخشی از این سیاست تبدیل سازمان های بین المللی مانند سازمان ملل متحد، به وسیله ای برای "قانونی" جلوه دادن اعمالی است که بنام دفاع از "دموکراسی" انجام می‌گیرد. عدم توانایی سازمان ملل در جلوگیری از فاجعه انسانی در رواندا و لشکر کشی آمریکا به هائیتی از جمله نمونه‌های جالب و قابل ذکر این روند است. نیروهای آمریکایی بدون آنکه حتی با رهبران سیاسی این کشور (در تبعید) مذاکره و حتی نظر خواهی کرده باشند، به این کشور لشکر کشیدند، با نظامیان جنایتکار که مستولیت سال‌ها قتل، جنایت و شکنجه هزاران انسان بر دوش شان بود توافق کردند که بتوانند آزادانه و با میلیاردها دلار ثروت‌های غارت شده که در پانک‌های آمریکایی و اروپایی انبار گردیده اند، بدون پاسخ کویی به هیچ پرسشی از کشور خارج شوند و در انتها با اعمال فشار خواهان دفاع نیروهای اپوزیسیون هایتی از این اقدامات گردیدند. تجربه ای که در گذشته نه چندان دوری در پاتاما امتحان شده بود، با این تفاوت که برای جلوگیری از افشا شدن ممکاری نزدیک هیئت حاکمه آمریکا با نظامیان این کشور (برخلاف تجربه ژنرال نوریکا در پاتاما) قبل از حمله و برای آرایش صورت ظاهر قضایا کارتی به این کشور اعزام گردید. استعفای نایانده سازمان ملل که از همراهان کارتی در این سفر بود، در اعتراض به عملکرد دولت آمریکا به اندازه کافی کویای ماهیت اصلی این خیمه شب بازی آمریکا در منطقه می‌باشد.

از مسائل دیگری که اشاره به آن در اینجا ضرور می‌باشد، ادامه اوضاع نکران کننده و متشنج در منطقه خلیج فارس است. بازی‌های خطرناک دیکتاتور عراق از یک سو و سیاست تبدیل منطقه خلیج فارس به حوضه نظامی زیر کنترل آمریکا و متحداش از سوی دیگر در مجموع نکرانی شدید نیروهای مترقی و آزادیخواه را برانگیخته است.

به عقیده اکثر ناظران سیاسی در منطقه، هدف از این مانورها، از سوی دولت عراق انحراف افکار عمومی کشور از اوضاع بشدت بعراحتی حاکم و تلاش در وادار کردن سازمان ملل به پایان دادن به محاصره اقتصادی این کشور است. حزب کمونیست عراق از مدتی پیش با انتشار ارزیابی خود از اوضاع، به سازمان ملل و دول جهان یاد آور گردید که محاصره اقتصادی بیش از آنکه به رژیم صدام حسین لعله بزند، به مردم این کشور لعله زده است. اکثر نیروهای مترقی عراق خواهان پایان دادن به محاصره اقتصادی کنونی می‌باشدند.

امپرالیسم آمریکا منطقه بسیار حساس خلیج فارس را با منابع عظیم نفت و کاز آن مدهاست که در مرکز ملاحظات و مصالح ژئوپولیتیک خود قرار داده است. داشتن متحد پروپا قرصی در چهره خاندان آل سعود با در آمدهای عظیم نفتی آن و امکان تاثیرگذاری این کشور بزرگ نفت خیز بر مجموعه کشورهای نفت خیز (اوپک)، تبدیل تدریجی مجموعه کشورهای نفت خیز حوضه خلیج فارس به حکومت‌های مورد حمایت نظامی واشنگتن از سویی و قدرت نمایی نظامی در مقابل سیاست‌های ماجراجویانه جمهوری اسلامی، که تنها کشور اسلامی منطقه است که مخالفت خود را با قرارداد صلح اسرائیل و عرفات اعلام کرده و تلاش به وادر ساختن جمهوری اسلامی به رعایت قواعد بازی "نظم نوین" جهانی در منطقه موضوعی است که نمی‌تواند برای هر ایرانی میهن دوست نکرانی جدی با خود به همراه نداشته باشد. طرح مجدد مساله جزایر سه کانه ابوموسی و تنب از سوی این کشورها و نایاندکان سیاسی وابسته به

اطلاعیه ۱۸۰ تن از زندانیان سیاسی سابق ایران درباره مرگ نایه‌نگام علی اکبر سعیدی سیرجانی

رونوشت به:

سازمان عفوین الملل،

صلیب سرخ جهانی،

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل.

زیربا گذاشته است، و با نسبت دادن انواع دشنام‌ها، نظیر "معتاد"، "جاسوس"، "لواط کار"، "بدکاره"، "هرزه"، "قمارباز" و غیره تا حد بی اخلاقی محض پیش رفته است.

ما که خود سال‌های طولانی قربانی ستم گریهای این رژیم استبدادی و یا استبداد پیشین بوده ایم، با مضمون این نوع اتهامات بی پایه و پرونده سازی‌ها آشنا هستیم و آن را محکوم می‌نماییم. ما ضمن تسلیت به خانواده علی اکبر سعیدی سیرجانی، خواهان تحقیق درباره چگونگی مرگ این ۱۳۴ نویسنده ایرانی از طرف یک مرجع صلاحیتدار بین‌المللی، نظری کمیسیون مبارزه علیه سانسور، از طرف رژیم ساخته می‌شود، بیم آن می‌رود که سرنوشتی مشابه در انتظار عده‌ای از آنها باشد.

ما از طریق رسانه‌های خبری جمهوری اسلامی، از خبر تاسف انگیز مرگ سعیدی سیرجانی در زندان آن رژیم مطلع شدیم. نحوه اعلام مرگ این نویسنده ایرانی علت مرگ را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. ناسزاها بی که به هنگام دستگیری این نویسنده، از طرف رژیم به او نسبت داده شد، انگشت اتهام را مستقیماً متوجه مسئولین جمهوری اسلامی می‌سازد. با توجه به فضای مشابهی که علیه امضاء کنندگان بیانیه مشترک ۱۳۴ نویسنده ایرانی در داخل کشور در دفاع از حق آزادی بیان و اندیشه مبارزه علیه سانسور، از طرف رژیم ساخته می‌شود، بیم آن می‌رود که سرنوشتی مشابه در انتظار عده‌ای از آنها باشد.

تجربه پانزده ساله جمهوری اسلامی نشان داده است که این رژیم نه فقط در برخورد با مخالفین سیاسی خود، بلکه حتی با کسانی که به نحوی با آنها همفکری نداشته اند، ابتداً ترین موازین حقوقی و انسانی را

ابراهیم آزاد- حسن آزادفر- محمد آزادگر، آذر آل کنعان- فرج الیاری- شکوفه ابراهیم زاده- محمد باقر ابراهیم زاده- یوسف احدی- صنوب احمدی- فریدون احمدی- اردشیر ارجمندی- داریوش ارجمندی- یاور استوار- بهمن اسعدی- عباس اشراقی- اکبر اصل فلاخ- محمد اعظمی- مهران اعظمی- اقبال اقبالی- رضا اکرمی- محمدرضا الاردبیلی- اکبر امیرنژاد- فریدون انجمی- ایران انصاری- محمد صادق انصاری- رحیم انصاری لاری- حسین انورحقیقی- عباس انورحقیقی- ابراهیم آوخ- اصغر ایزدی- مهر ایمازی- حسن برادران- یدالله بلدی- احمد بناسازنوری- ناصر بنایی- کمال بهادری فر- محمود پروانه- خسرو پرویزی- حسن پور خالقی- تقی تام- علی توکلی- میترا تهمامی- خسرو ثبتی- علی جالینوسی- حسن جعفری- ولی الله جعفریان- فرشته جلیلی- منصور جلیلی- فردوس چمشیدی روباری- مسعود جنت- آذر جوانشیر- محمد ابراهیم جوهری- حسین جهانگیری- حیدر جهانگیری- زیر جهانگیری- حسن حسام- احمد حسینی- زین العابدین حقانی- بهروز حقی- مرتضی حمزه لویان- محمود حمزه لوی- داوود خان حکیمی- علی خاوری- منیر خسروشاهی- مجید دارابیگی- اصغر داوری- سید محمد دشتی- محمود دشتی- رضا دقی- ایوب دوستی- ایرج رازلو- محمد راکی زاده- حسن راهی- جواد رحیم زاده اسکویی- بیژن رضائی- فرهمند رکنی (اخوی)- محمدعلی زند کریمی- اردوان زیرم- حسن ساحل نشین- رضا ساکی- انوشیروان سرحدی- رحیم سروستانی- سید علاء الدین سعیدی- هدایت سلطان زاده- حجت سلطانی- مسعود سلطانی- فیمه سلمانی مظفر- نسرین سلمانی مظفر- آلبرت سهرا بیان- مرتضی سیاهپوش- محمد تقی سید احمدی- علی اصغر سیفی- رامین سیگارودی- جلال شالگونی- علی اکبر شالگونی- محمد رضا شالگونی- محمد شجاع- فرشید شریعت- بهمن شریعت مداری- ملیحه شریف زاده- جلال شکوهی- مجید شیری- فاطمه صبورها- پروین صدیقی- صدیقه صرافت- رحمان صناعی- احمد عابدی- عباس عاقلی زاده- قربانعلی عبدالرحیم پور- داود عزیزان- مازیار عطیری- حمید عمرانی- محمد رضا عمرانی- رضا غفاری- مهدی فتاپور- مسعود فتحی- رشید فدائی- محمد حسن فرساد- عباس فضیلت کلام (پدر)- داریوش فریدونی- داریوش قدیمی- احمد قره باعی- فیروز قریشی- قدرت قلی زاده- مقصود کاسپی- فرنوش کتابچی- بهروز کرمی- بهزاد کریمی- شهرام کریمی- حسین کورنگ بروجردی- شهاب لبیب زهرا لطفی- روبن مارکاریان- عفت ماهباز- محبویه مجتبه- محمد معین الدین محراجی- علی اکبر شالگونی- علی اکبر شالگونی- محمد علی مدرسی- مصطفی مدنی- ثریا مرادی- جلیل مرزبان- حمید مردہ- محمد مردہ- عباس مظاہری- غلامرضا معمار باشی- محمد رضا معینی چاغرون- آزیتا معینی شیرازی- حسین مقدس- مرتضی ملک محمدی- فرزاد ملکی- مسعود ملکی- عباس منصوران- مهدی موسی زاده- آناهیتا مهدیانی مارانی- اکبر میر جانی- محمد ناظمی- ناهید ناظمی- نوشزاد ناظمی- حسن نجفی- حمید نجفی- محمود نلی- کیومرث تقی پور- فخر نگهدار- همت علی نوروزپور- پروین نوینیان- پرویز نویدی- علی نیری- شهلا وحید- غلامرضا هاشمی- محمد جعفر هنریار- محمد حسن یعقوبی- غلامحسین یوسفی شیواری.

ما خواهان پایان قطعی جنگ برادر کشی در کردستان عراق هستیم

در گیری های تاسف بار هفته اول دیماه جاری بین نیروهای طرفدار حزب دموکرات کردستان عراق و جبهه میهنی کردستان پس از پنج روز برادر کشی و تلفات مالی و جانی دو طرف موقتاً متوقف شده است. این در گیری ها منجر به کشته شدن بیش از ۲۰۰ نفر از پیشمرک های کرد و تخریب شهرهای کردنشین و بالاخص شهر صلاح الدین کردیده است.

بنما به کراش خبرگزاری های جهان از منطقه، مسعود بارزانی رهبر حزب دموکرات کردستان عراق و جلال طالبانی رهبر جبهه میهنی کردستان در تلاش برای پایان دادن به جنگ با یکدیگر ملاقات کرده و در رابطه با مشکلات و اختلافات فیما بین گفتگو نموده اند.

این اولین بار نیست که در گیری بین نیروهای دولتی به چنین نتایج تراژیکی منجر شده است. در اردیبهشت ماه گذشته نیز در در گیری های نیروهای وابسته به دو حزب که اکثر مناطق کردستان را در برگرفت شمار زیادی از پیشمرکان دو طرف و مردم بی دفاع گرد کشته شدند. طی دو سال اخیر مداخلات و تحریکات دولت های منطقه و بخصوص جمهوری اسلامی ایران و ترکیه که به هیچ وجه موافق خودمنخاری در منطقه کردستان نیستند و ایجاد دولت خودکردان در شمال عراق را تهدیدی علیه سیاست های شوونینستی خود می شمارند، باعث در گیری های تاسف بار بین نیروهای گرد شده است.

آنچه که مساله را بفرغت می نماید اینست که ادامه در گیری های این دو نیروی اصلی کردستان عراق می تواند دستاوردهای مبارزات چندین ساله خلق گرده در منطقه کردستان عراق را مورد تهدید جدی قرار دهد و بار دیگر امکان تست رؤیم سرکوب را بر سرتاسر منطقه بوجود آورد. در گیری بین نیروهای ترقیخواه و مردمی کردستان فقط به تفع دشمنان خلق گرد می باشد. حزب توده ایران، با تاکید بر موضع پیکر خود در حمایت از حقوق خلق های منطقه خواستار بازگشت آرامش در کردستان عراق است. ما معتقدیم که نیروهای خلقی کردستان به خوبی توان آن را دارند که مشکلات موجود در روابط فی مابین را با دوراندیشی و رعایت مصالح عمومی مردم گرد عراق بر طرف نمایند.

کمک مالی رسیده

کمک چهارمین پلتوم ۱۱۹۵ مارک

سالروز جنبش ۲ بهمن گرامی باد!

زبان کردی در آموزش و پرورش و در ادارات دولتی، ایجاد نشریات کردی، تاسیس فرستنده رادیویی در کردستان و ایجاد امکانات آموزشی و بهداشتی رایکان همکی حکایت از برنامه پایه ای خودمنخاری نویا برای حق خواست های اساسی مردم ستmidde کرد داشت.

شکفت آور نیست که جنبش ترقی خواهانه کنونی خلق گرد، هنوز هم بسیاری از آرمان های «جمهوری مستجل» را راهنمای مبارزه خود برای اکتساب خودمنخاری و انجام اصلاحات مردمی می داند.

این واقعیت که در طی ۵ دهه گذشته، مردم کردستان با ایثار و از خود گذشتگی در جهت احیای جنبش ملی و دموکراتیک خود برای جامه عمل پوشاندن همان برنامه های مورد نظر جنبش دوم بهمن کوشش داشته اند، نشان از تاثیر عمیقی است که تحولات ۱۱ ماهه جمهوری کردستان در حیات مردم داشته است.

متاسفانه آرزوی رفع ستم ملی برای این خلق ستmidde که با امید فراوان به استقبال انقلاب بهمن شتافت برآورده نشد. شعله های سوزان جنگ برادر کشی سال هاست که بخش مهمی از میهن مشرک ما را در برگرفته و ممواهه قربانی های بیشتر و بیشتری گرفته است و علاوه بر این حکام رژیم «ولایت فقیه» در همانگی با ترکیه عضو ناتو و عراق تحت حکومت صدام حسین و سوریه در صدد خرابکاری و به تحلیل بردن جنبش خلق کرد در سراسر اقدامات سران رؤیم جمهوری اسلامی که پیروزی جنبش را در کردستان عامل عده ای برای پیشبرد مبارزه برای دموکراسی در میدان «چوار چرای» مهاباد کرد میهنی خودمنخار کردستان ایران اعلام کردید و برای اولین بار خلق کرد بر سرنوشت خویش حاکم گردید.

دستاوردهای حاکمیت ۱۱ ماهه انقلابیون کردستان، علی رغم فشار و تهدید نیروهای اجتماعی سلطنتی وابسته به امپریالیسم و تحریکات امپریالیستی، چنان درخشناد و چشم کیر است که پس از نزدیک به ۵ دهه از آن خلق کرد میهنیان هنوز هم هرساله خاطره آن را گرامی می دارد.

حزب توده ایران پرایه سنت دیریاری خود در دفاع از حقوق خلق های ساکن ایران به خودمنخاری، همبستگی با مبارزات خلق کردستان و نیروهای ترقیخواه آن را وظیفه خود می داند و در سالکرد جنبش ۲ بهمن بار دیگر عهد خود را به حمایت از خواست های مردمی و آزادیخواهانه مردم کردستان و تأمین حقوق ملی این خلق در چارچوب ایرانی ازاد، مستقل و دموکراتیک، تجدید می کند.

